



نشریه‌ای برای پیوند هر چه بیشتر ایرانیان مقیم میشیگان و آگاهی از آنچه در خانه‌ی آنها می‌گذرد.



برگردان نیایش آغاز سال نو از اوستا به زبان فارسی

(با سپاس از دکتر پیرا که)

پروردگارا، تو را سپاس می‌گوییم.

که هنجار راستی را بنیاد نهادی.

زمین و آسمان، آب و گیاهان را آفریدی.

با مهر خود، روشنایی و شادی را برای زندگی مردم پایدار ساختی.

به ما آموختی تا بامنش نیک به تو نزدیک شویم.

باگفتار نیک، آیین راستی را گسترش دهیم.

و با کردار نیک، سازنده و سودرسان باشیم.

اکنون که با گردش زمان، روزگاری تازه فراهم گشته است.

با دست‌های برافراشته تو را نیایش می‌کنیم.

برآنیم تا با کارهای درست خود.

که از دانایی و خرد سرچشمه می‌گیرد.

روان هستی را خشنود سازیم.

ای اهورامزدا.

PHOM

Persia House of Michigan

Address:

P.O Box 251002

West Bloomfield, MI 48325

Tel: (248)403-5605

WWW.persiahousemi.wildapricot.org



persiahouseofmichigan@yahoo.com

www.facebook.com/Iranianofmichigan

Persian School Location:

St. Stephen's Episcopal Church

5500 N. Adams Rd. Troy, MI

انجمن سرپرستی خانه ایران - بهار ۱۴۰۲

سالار: محمود معلمیان

سالاریار: کسری زربینیان

گنجینه‌دار: فریبرز محمودی

دبیران: فریده کیان، پویان پور موحد

سرپرست دبستان: ناهید صنیعی-یحیایی

کارشناس ترجمه: محمود معلمیان

کارشناس موسیقی: مهری واقعی

سرپرست هموندی: ناهید صنیعی-یحیایی

سامانه‌گر: رکسانا دشتی تهرانی

سرپرست پیوندها:

کارپردازی: فرخنده فراهانی، طاهره قریشی، سهیلا هشترودی،

کاظم اصفهانیان، حسین کیان، اکبر واقعی، ناهید صنیعی-یحیایی،

مهدی یحیایی، حمید قریشی،

سرپرست گروه تلگرام: پویان پور موحد

سرپرست فیس‌بوک و اینستاگرام: سهیلا بوجاری

تحويل سال ۱۴۰۳ در ايران

چهارشنبه ۱ فروردین ساعت ۶ و ۳۶ دقیقه و ۲۶ ثانیه بامداد

Nowruz 2024 in Iran
Wednesday morning March 20th
06:36:26

سال تحويل در شرق آمریکا

US - Eastern UTC-05
Tuesday, March 19th 2024,
11:06:26 pm

آنچه گذشت

یلدا جاده ی بلند شبانه به شهر نور



سرانجام پس از مدت زیادی توانستیم امسال یلدا را جشن بگیریم! مراسم امسال در روز شنبه شانزدهم ماه دسامبر در واشتتا کامیونیتی کالج در ان آربر برپا کردیم. باید از استقبال گرم شما از این مراسم سپاسگزارى کنیم. از ساعت شش و نیم بعد از ظهر میهمانان دسته دسته وارد شدند و اطراف میزهایی که برای آنها مشخص شده بود قرار گرفتند. موسیقی ایرانی دلها را شاد میکرد. پذیرائی شام در ابتدای برنامه بود و با اعلام

شماره میزها افراد بسمت میز شام رفتند و وبا ترتیب قابل توجهی به پذیرائی از خود و همراهانشان پرداختند. شام را رستوران کاسپین تهیه کرده بود. پس از شام با چای و شیرینی و میوه های شب چله و آجیل مشکل گشا از همه پذیرائی شد. پس از شام نوبت به توضیحاتی در مورد یلدا و اینکه چرا آنرا جشن میگیریم و در خانه پدری در این شب چه میگذرد سخنانی توسط خانم مهوش ذوالریاستین گفته شد که مورد توجه شرکت کنندگان در جشن قرار گرفت.



. بین چگونه قناری ز شوق می لرزد
نترس از شب یلدا بهار آمدنی است

ایرانیان قدیم شادی و نشاط را از موهبت های خدایی و غم و اندوه و تیره دلی را از پدیده های اهریمنی می پنداشتند. مراسم نوروز، جشن مهرگان، جشن سده، چهارشنبه سوری و شب یلدا و سنت های دیگر در واقع بیانگر این حقیقت است که ایرانیان پس از رهایی از بیدادگری و ستم به شکرانه باز یافتن آزادی، جشن برپا می ساختند و پیروزی نیکی بر بدی و روشنایی بر تاریکی و داد بر ستم را گرامی می داشتند. شب یلدا نیز یکی از این موارد است. در دوران کهن، شب مظهر تاریکی و تباهی و وحشت بوده و اغلب سعی می کردند که شب هنگام با افروختن آتش و افزودن نور، خانه روشن باشد. تا پلیدی و تباهی در آن راه نیابد. شب یلدا طولانی ترین شب ها است. یعنی تسلط تاریکی بر زمین از تسلط نور خورشید و روشنایی می کاهد. و چون فردای این شب روشنایی بر ظلمت غالب و روز طولانی می شود، ایرانیان تولد دوباره خورشید را که مظهر روشنایی است جشن می گیرند .

جشن سده مبارک!

مراسم جشن سده در تاجیکستان



با کمال تأسف در میهنمان روز به روز از برگزاری جشن های باستانی فاصله می گیریم و آنها را از تقویم مان حذف میکنیم! باز هم جای سپاسگذاری باقی است که در کشور های هم جوار بسیاری از این مراسم هنوز پا بر جاست.

روز سه شنبه ۳۰ ژانویه (۱۰ بهمن) در تاجیکستان روز «جشن سده» است و مردم در همه مناطق کشور این آیین کهن و باستانی را رسماً جشن گرفته‌اند.

جشن سده از جشن های ایرانی است که در آغاز شامگاه ۱۰ بهمن برگزار می شود. این جشن بیش از پنج هزار سال قدمت دارد، و از جمله قدیمی ترین جشن های ایرانی (حتی قدیمی تر از نوروز) به شمار می رود.

این جشن، جشن پیدایش آتش در نظر گرفته می شود. بر اساس شاهنامه فردوسی، پیشینه آن به دوران هوشنگ شاه، از نخستین شاهان پیشدادی، بازمی گردد.

آمده است که هوشنگ شاه به هنگام شکار، چون مار سیاه رنگی را می بیند، به سوی آن سنگی پرتاب می کند که از برخورد این سنگ به سنگی دیگر، جرقه ای شکل می گیرد و بوته خشکی که در آنجا بوده آتش می گیرد. ایرانیان از آن هنگام به بعد از آن آتش پاسداری می کنند.



در ایران کهن هر يك از سي روز ماه، نامي ویژه دارد، که نام فرشتگان است. نام دوازده ماه سال نیز در میان آنهاست. در هر ماه روزي را که نام روز با نام ماه يکي باشد، جشن مي گرفتند . در دي ماه، چهار جشن، وجود داشت. نخستين روز دي ماه و روزهاي هشتم، پانزدهم و بیست و سوم، سه روزي که نام ماه و نام روز يکي بود. و در این سي روز ماه، سه روز آن «دي» نام دارد و هر سه روز را در گذشته جشن مي گرفتند . امروز از این چهار جشن تنها شب نخستين روز دي ماه، یا شب یلدا را جشن مي گیرند، يعني آخرین شب پاییز، نخستين شب زمستان، پایان قوس، آغاز جدي و درازترین شب سال . یلدا از نظر معني معادل با کلمه نوئل از ریشه ناتالیس رومي به معني تولد است و نوئل از ریشه یلدا است . واژه یلدا سریانی و به معني ولادت است . ولادت خورشید، مهر و میترا ، و رومیان آن را (ناتالیس انویکتوس) يعني روز (تولد مهر شکست ناپذیر) نامند . باری یلدا برای ما با شادمانی همراه بود!



از هفت سال پیش به این سو، ۳۰ ژانویه (۱۰ بهمن) در تاجیکستان سده رسماً جشن گرفته می‌شود.

در همه شهرها و نواحی این کشور برنامه‌هایی به این مناسبت برگزار می‌کنند.

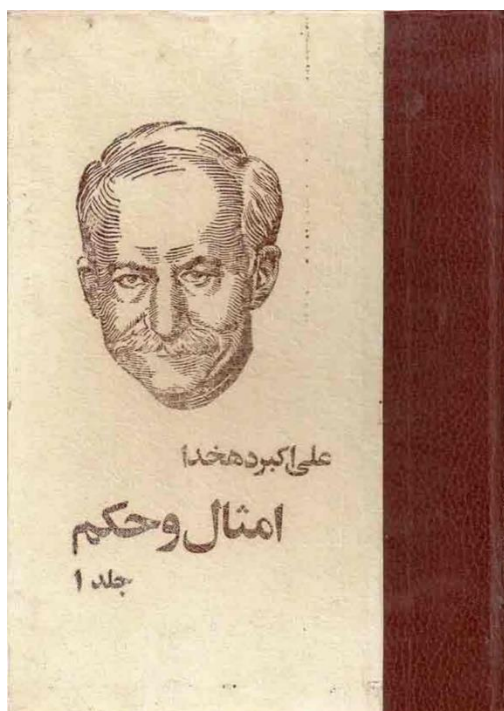
تاجیک‌ها سده را مثل نوروز و تیرگان و مهرگان از آیین‌های کهن و باستانی خود می‌دانند.

شادی و نشاط و خرسندی و همکاری و همبستگی از مهمترین پیام‌های جشن سده است که در بزرگداشت این آیین کهن در پایتخت تاجیکستان امروز محسوس است.



از مقاله بی بی سی فارسی برای این نوشته کمک گرفته شد: م. م.

از امثال و حکم دهخدا



اخیراً یونسکو، سازمان آموزشی و علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد، با پیشنهاد ایران و تاجیکستان جشن سده را در فهرست «میراث فرهنگی ناملموس» خود وارد کرد.



امامعلی رحمان، رئیس‌جمهور تاجیکستان، هم در پیامی جشن سده را به مردم کشورش تبریک گفت.

این جشن کهن در پارک فردوسی شهر دوشنبه برگزار شد، به گفته حکیم توس و سراینده شاهنامه، هوشنگ، پسر سیامک، برای یافتن آتش فرستاده شد: «ز هوشنگ ماند این سده یادگار، بسی باد چون او دیگر شهریار».

به قول مجید سلیم، نویسنده تاجیک، «اصلاً سده را ابوالقاسم فردوسی احیا و زنده کرد. در شاهنامه فردوسی جایگاه سده مثل جایگاه اسب مقدس است. وقتی که رزم‌ها اتفاق می‌افتاد، اول پهلوانان از بالای آتش می‌گذشتند و بعد به نبرد می‌رفتند».

آتش از عناصر مهم جشن سده بوده است. آتش نماد پیروزی نور و روشنی بر تاریکی، نیکی بر بدی، و گرمی بر سردی عنوان می‌شود. شاید به همین دلیل، در میدان تجلیل از جشن سده در شهر دوشنبه چند جا به عنوان نماد اصلی این جشن گلخن (آتش بزرگ) افروخته شد.



"بازهم خطش" از کتاب امثال و حکم دهخدا

آن چنان کار "لغت نامه ی" دهخدا بزرگ و فراگیر است که دیگر کارهای این نویسنده و پژوهشگر و شاعر به شایستگی فرصت ابراز وجود پیدا نکرده اند. کتاب "امثال و حکم" دهخدا وزنه ی سنگین دیگری است در پهنه ی فرهنگ و ادب فارسی، در شماره ی گذشته ازین کتاب یک مثل همراه با داستان آن چاپ شد به نام "آن مرحوم دیگر بار چه گفت".

در اینجا می خواهیم چند سطری درباره ی این کتاب بنویسیم اما خود را مانند مسافری می بینم که به دیدار یک شهر تاریخی رفته و هنوز از تمام آثار تاریخی آن دیدن نکرده که ناگزیر به برگشت میباید و گزارشی از این سفر نیز باید آماده سازد، روشن است که گزارش چندان بدر بخوری نخواهد بود. براستی هم خواندن کتاب چهار جلدی "امثال و حکم" یک کتاب داستان نیست که بخوانی و تماش کنی و کنار بگذاری یک "فرهنگ مردمی" ست که مثال ها بنا به حروف الفبا چیده شده است، در کنار بسیاری از موضوع ها به داستان و روایت جذاب و خواندنی برخورد میکنی که به سختی حاضر هستی کتاب را زمین بگذاری شاید بشود گفت یک "هزارو یک شب دیگر"، و دهخدا با شوخ طبعی که از کتاب "چرند و پرند" وی پیداست با یک جور رندی حافظانه نام "امثال و حکم" را برای آن برگزیده است. انتخاب نام کتاب برای نویسنده و شاعر یا هر خالق اثر کار ساده ای نیست، نامی که بتواند در برگزیده محتوا و اثر باشد، البته نباید فراموش کرد که عصر و زمان "اثر" نیز تعیین کننده است. دهخدا عنوان کتاب خود را حدود ۱۰۰ سال پیش برگزیده است. وی از پیشتازان دگرگونی زبان فارسی در دوران انقلاب مشروطیت و بعد آن می باشد گفتار "چرند و پرند" و چاپ آن در نشریه ی "صورالاسرافیل" بیانگر آن است. با این وجود نام "امثال و حکم" و نخستین چاپ آن در سال ۱۳۰۸ شمسی زمانی ست که هنوز بیشتر مردم کشور از خواندن و نوشتن بی بهره اند. "امثال" جمع کلمه "مثل" همچنان به کار می رود، "حکم" جمع کلمه "حکمت" امروزه چندان کاربردی ندارد شاید اگر دهخدا امروز می خواست برای این کتاب نامی بر گزیند ممکن بود بجای "حکم" اسمی در نظر می می گرفت که با مفهوم "فرزادگی" و زبان ادبی رایج امروز هم خوانی می داشت. "احمد شاملو" نیز اگر در یکصد سال پیش می بود شاید بجای نام "کتاب کوچه" عنوان دیگری انتخاب می کرد، نگاه کنید به نام کتاب شاملو در دهه ۱۳۲۰ شمسی به نام "اهنگ های فراموش شده" که چاپ و پخش شد و مقایسه کنید با نام های امروزیش "هوای تازه" یا "آیدا در آینه".

بسیاری از مثل ها در کتاب دهخدا اگر یک زمان رایج بودند امروزه به جای "مثل" بکار نمی روند ولی به عنوان "خاطره" یا "قصه" خوانده می

شود، مانند: "بازهم خطش" میرزا محمد خان سپهسالار گذشته ازاینکه از فضایل علمی حظی نداشت، خطش نیز بغایت بد بود بدان حد که جز یک دو تن از منشیان خاص او دیگری نمی توانست خواند. بامداد عیدی که مجلس خان به طبقات مردم انباشته بود پسر یغما به سابقه ی سوء معاملتی از صف نعال* برپا خواست و به آواز بلند اجازت طلبید تا خوابی را که دیده به عرض برساند. محمد خان رخصت داد. پسر یغما گفت: دیشب پدرم را به واقع دیده از عُسرت** و پریشانی خویش به وی نالیدم. پدرم فرمود: دیگر امروز که اریکه ی عَز و جلال به وجود خان آراسته است شکایت تو از تنگدستی بی جاست مدیحه ای بساز و به خدمت ایشان برو عرض حاجت کن البته از تو کفایت فرمایند. گفتیم: فضایل خان بی شمار است کدام یک را مدح گویم. پدرم مدتی به فکر فرو رفت سپس سر برداشت و گفت: ای پسر "باز هم خطش".

* نعال: جمع نعل به معنای: پایین مجلس .

** عُسرت: تنگ دستی

کاظم نوروزی

BOKANI
GROUP

REAL ESTATE & PROPERTY MANAGEMENT

CONTACTUS@BOKANIGROUP.COM

WWW.BOKANIGROUP.COM

**LOOKING TO BUY, SELL OR RENT?
CALL US 248-951-9555**

25600 WOODWARD AVE. ROYAL OAK, MI 48067

این مطلب شانزده سال پیش نوشته شده و من کنجکاو هستم که آیا این برداشت هنوز هم درست هست یا خیر؟ نسل دوم ایرانیان خارج از کشور، به برگزاری جشنهای عید نوروز و آداب و رسوم مربوط به آن علاقمند هستند.

در سفر تازه بپایان رسیده ای به اروپا با دوستی برخورد کردم که گهگاه برای رسانه های فارسی زبان اروپائی و کانادائی مطلب مینویسد. گفتگوی ما به برگزاری مراسم سنتی ایرانی در برون مرزها کشیده شد و چه باید کرد که آنرا نگاه داشت. این دوست دلهره ای در این زمینه نداشت و با اطمینان میگفت نسل دوم و سوم ایرانی همچنان به این مراسم پای بندند و اینرا بر اساس گفتگو های انجام شده ابراز میکرد که در زیر از نظر شما خواهد گذشت. طبق آمار غیر رسمی، بیش از ۴ میلیون ایرانی در کشورهای مختلف جهان از جمله آمریکا و کشورهای اروپایی زندگی می کنند و به کار و تحصیل سرگرم هستند. فرزندان این دسته از ایرانیان، اغلب در کشور میزبان به دنیا آمده اند و یا در آنجا بزرگ شده اند. گروهی از نسل دوم ایرانیان خارج از کشور در حالیکه زبان نخستینان، زبان کشور میزبان است و با همان زبان می اندیشند، به زبان فارسی به عنوان زبان مادری خود نگاه می کنند. او با زبان کشور میزبان در مهد کودک با کودکان دیگر ارتباط برقرار می کند؛ کتاب کودکانه می خواند؛ شعر حفظ می کند؛ دوست پیدا می کند و از سوی دیگر از طریق شنیداری، زبان مادری خود را یاد می گیرد. آن هم با این آرزوهای ساده که مثلا بتواند با مادر بزرگ و خاله و عمویش ارتباط داشته باشد. یادگیری زبان مادری برای بسیاری، تلاش برای مقابله با بحران هویت است. بخش عمده ای از نسل دوم ایرانیان خارج از کشور نیز در تلاش برای یافتن هویتشان، به ویژگی های فرهنگی سرزمین مادری خود نیز تکیه می کنند؛ یکی از این ویژگی ها توجه به مراسمی چون عید نوروز است.

"کاش همیشه عید بود"

"زیبا"، زنی ۴۸ ساله و ساکن لهستان است که دختری ۱۸ ساله دارد. فرزند او در خارج از ایران به دنیا آمده و بزرگ شده است. "زیبا" می گوید: "دختر من به خوبی با آداب و رسوم عید نوروز

آشنایی دارد و به خوبی معنای سمبلیک اجزای سفره هفت سین را می شناسد. فارسی او هم خوب است و تلاش می کند تبریک سال نو را به فارسی برای دوستان و آشنایان ایرانی خود بفرستد." نام دختر او "بهروش" است. او عید نوروز را جشنی شاد و جالب می داند: "می دانم که مردم ایران با مشکلات زیادی روبرو هستند اما از چهارشنبه سوری گرفته تا عید نوروز و بعد سیزده بدر، باز هم دور هم جمع می شوند و سعی می کنند شاد باشند. من از این اخلاق ایرانی خوشم می آید و دلم می خواهد همیشه عید نوروز را جشن بگیرم و به لهستانی ها نیز معرفی کنم." "بیژن"، پسر نوجوان ۱۳ ساله ای است که در ایتالیا زندگی می کند. او از زاویه ای دیگر به این مسئله نگاه می کند. او عید نوروز و مراسم وابسته به آن را بیشتر از عید سال نو میلادی دوست دارد. بیژن می گوید: "اول به خاطر این که با فامیل هایم هستم. بعد هم اینکه در سال نو میلادی من دوست ندارم ساعت دوازده شب بروم بیرون و آتش بازی تماشا کنم. پدر و مادرم هم انگار دوست ندارند. من فکر می کنم این مراسم را درک نمی کنند و همش می گویند خطرناک است. خلاصه خوش نمی گذرد. در عید ایرانی ما به جشن می رویم و می رقصیم و بیشتر خوش می گذرد." "مهران" که ساکن نروژ است می گوید که خانواده او به جشن نوروز اهمیت بیشتری میدهند. برای مهران نیز بودن در میان جمع دوستان و بستگان اهمیت بیشتری دارد: "این عید مال ماست و برای من جالب است که دوست های نروژی من خیلی دلشان می خواهد در مورد آن چیزی بدانند. ما در عید نوروز جشن های بیشتری داریم. بیشتر با هم هستیم ... با فامیل ها در ایران تماس می گیریم و حس می کنم که در این شب ما خوشحال تر هستیم. خلاصه چیزی را داریم که با عید نروژی فرق می کند." مهران البته تاکید می کند که اگرچه برای خانواده او عید نوروز از اهمیت خاصی برخوردار است اما تعطیلات عید سال نو میلادی اهمیتی دارد که نمی توان از آن چشم پوشید. "بامشاد"، ۱۱ ساله، کلاس چهارم دبستان و ساکن استکهلم است. او پیش از هر حرفی توضیح می دهد که عاشق فوتبال است و به نواختن پیانو هم خیلی علاقه دارد. او می گوید: "من جشن

را خیلی دوست دارم. عید نوروز و عید سال نو میلادی فرقی نمی‌کند. مهم این است که همه با هم می‌خندیم و حرف می‌زنیم و خانه شلوغ می‌شود. توی هر دو عید هم کادو می‌گیرم. اما تعطیلی عید سال نو میلادی را بیشتر دوست دارم. چون تلویزیون هم برنامه‌های جالب‌تری دارد."

او ادامه می‌دهد: "برای من سفره هفت‌سین و روز سیزده بدر خیلی بامزه است. من برای دوستانم می‌گویم که ما باید هفت تا چیزی که با سین شروع می‌شود را روی سفره بگذاریم و اینها هر کدام یک معنایی دارد.

"یک عید غیر مذهبی"

"آیلین" که دوست بامشاد است و مثل او فوتبالیست است، حرف‌های بیشتری دارد و تلاش می‌کند که در طول صحبتش کمتر از کلمه‌های غیر فارسی استفاده کند. او که مدام معنای کلماتی که فارسی آن را نمی‌داند از پدرش می‌پرسد می‌گوید که وقتی کوچک بوده هم از مادرش و هم از کلاس زبان فارسی، اطلاعات خیلی خوبی در مورد عید نوروز گرفته است. مهمترین نکته برای او این است که جشن نوروز یک جشن ایرانی و قدیمی است: "این جشن کولتور (فرهنگ) جالبی دارد. یک جشن ایرانی است و عیدی مذهبی نیست. عمرش هم بیشتر از دو هزار سال است. وقتی کلاس فارسی می‌رفتم خیلی در مورد نوروز می‌خواندم الان هم اطلاعات زیادی به سوئدی در اینترنت هست." آیلین ۱۵ ساله است و خود را اول ایرانی می‌داند و بعد سوئدی و توضیح می‌دهد: "فکر می‌کنم که همیشه عید نوروز را جشن بگیرم و به بچه‌ها هم یاد بدهم. حتی اگر با یک سوئدی عروسی کنم. چون ایران برای من مهم است. به همین دلیل کولتورش، یعنی خوبی‌هایش را حتماً به بچه‌ها یاد می‌دهم." او می‌گوید: "من خیلی برای دوستان سوئدی، عرب، و سومالیایی خودم از نوروز تعریف می‌کنم و می‌گویم اگر دلشان خواست می‌توانند به جشن‌های ایرانی بیایند تا فرهنگ ما را بشناسند. مثلاً بعضی از دوست‌های سوئدی من جشن چهارشنبه‌سوری ما را دیده‌اند و می‌شناسند. به نظر من تعداد جشن‌های ما ایرانی‌ها موقع عید نوروز از جشن‌های سال نو سوئدی‌ها بیشتر است. من

از یک ماه قبل منتظر چهارشنبه‌سوری و عید هستم." به عقیده او پدر و مادرهای ایرانی باید درباره خوبی‌های فرهنگ کشور خودشان برای فرزندانشان حرف بزنند. او می‌گوید: "من به ایرانی بودن خودم افتخار می‌کنم چون درباره فرهنگ ایران خیلی می‌پرسم و می‌دانم با این که آدم‌ها در آنجا سختی‌هایی دارند اما خیلی چیزهای قشنگ و با ارزشی هم در ایران داریم که می‌توانیم به آنها افتخار کنیم و آنها را برای سوئدی‌ها تعریف کنیم.

"چرا ایرانی نیستیم؟"

"سی‌گل" در پاریس زندگی می‌کند و ۷ ساله است. پدرش بلژیکی - آمریکایی است و مادرش ایرانی. خودش در فرانسه به دنیا آمده و مشغول یادگیری انگلیسی است و فارسی را هم می‌فهمد و حرف می‌زند. مادرش توضیح می‌دهد که او برخی از مراسم ایرانی از جمله عید نوروز را می‌شناسد. و می‌گوید: "سی‌گل در سنی است که در جست و جوی هویت خودش است. از طرفی دیگر به مدرسه‌ای می‌رود که همه فرانسوی هستند و در میان دانش‌آموزان آنجا فقط یکی دو خارجی هست. درک این ماجرا (که نیمی ایرانی و نیمی آمریکایی است) هنوز برایش زود است." سی‌گل که خود را غرق خواندن کتابی نشان می‌دهد در پاسخ به این پرسش که حالا بگو ببینم تو دوست داشتی کجایی بودی و به چه زبانی حرف می‌زدی؟ سرش را بلند می‌کند و می‌خندد و می‌گوید: "فرانسوی!" و مادرش از پاسخ غافلگیرکننده او یکه می‌خورد.

"حرف‌های تازه"

"ترنم" در فرانکفورت زندگی میکند و ۱۴ ساله است و فارسی را به خوبی حرف می‌زند. او می‌گوید: "من عاشق چیزهای تازه هستم. دوست دارم مدام حرف‌های تازه بشنوم و بزنم. خیلی کیف می‌کنم که همکلاسی‌های آلمانی من چیزی در مورد نوروز نمی‌دانند و من هر سال کلی حرف‌های جالب برای آنها دارم. مثل آدم‌هایی که در سیرک کار می‌کنند و می‌توانند از آستینشان چیزهای جالب بیرون بیاورند."

دوستان خانه ایران در اینترنت



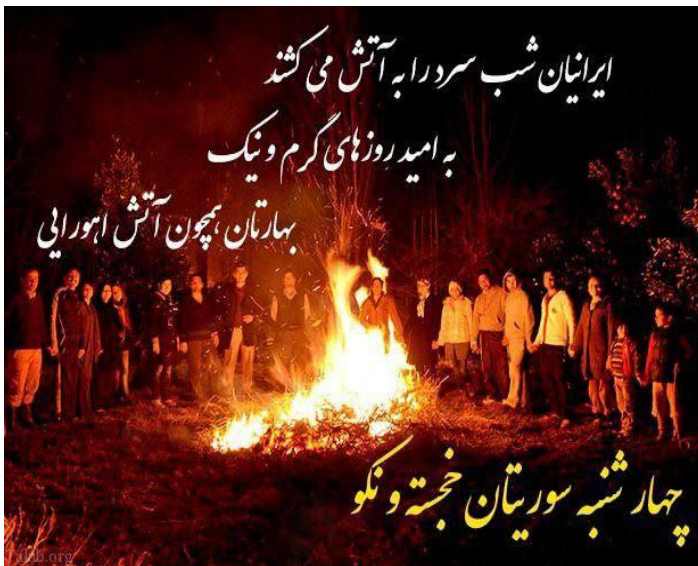
عوض کردن نام "شب یلدا" و "چهارشنبه سوری"

رئیس مرکز رسانه و روابط عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌گوید شب یلدا و چهارشنبه‌سوری در تقویم جمهوری اسلامی به «روز ترویج میهمانی و پیوند با خویشان» و «روز تکریم همسایگان» تغییر یافته‌اند.

عباس میرزاحسینی روز یکشنبه ۲۱ آبان‌ماه با رد خبر حذف این دو مناسبت در تقویم ایرانی به ایسنا گفت که «شب یلدا» از تقویم حذف نشده و چهارشنبه آخرسال هم برای اولین بار است که به تقویم اضافه می‌شود.

با وجود تغییر نام شب یلدا و چهارشنبه‌سوری عباس میرزاحسینی این دو مناسبت را «متناسب با فرهنگ و سنت‌های ایرانی اسلامی» خواند.

به گفته رئیس مرکز رسانه و روابط عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی این تصمیم در جلسه روز ۱۸ مهرماه این شورا و با پیشنهاد از سوی «اشخاص حقیقی و حقوقی» گرفته شده است.



هاشم رضی در کتاب گاه شماری و جشن‌های ایران باستان، درباره چهارشنبه سوری می‌نویسد:

"ایرانیان در یکی از چند شب آخر سال جشن سوری را که عادت و سنتی دیرینه بود، با آتش‌افروزی همگانی بر پا

می‌کردند. اما چون اساس تقسیم آنان در روزشماری بر آن پایه نبود که ماه را به چهار هفته با نام‌های کنونی روزها بخش کنند، لاجرم در شب چهارشنبه آخر سال چنین جشنی برگزار نمی‌شد. روزشماری کنونی بر اثر ورود اعراب به ایران باب شد.

بی‌گمان سالی که این جشن به شکلی گسترده بر پا بوده مصادف با شب چهارشنبه شده است و چون در روزشماری تازیان چهارشنبه نحس و بدیمن به شمار می‌آمده از آن تاریخ به بعد "شب چهارشنبه" آخر سال را با جشن سوری به شادمانی پرداخته و بدین وسیله می‌کوشیدند نحوست چنین شبی را از بین ببرند!

سال کبیسه یعنی چه؟

امسال (سال ۲۰۲۴) یک روز به تقویم‌های ما اضافه می‌شود، و به جای ۳۶۵ روز معمول ۳۶۶ روز در این سال کبیسه خواهیم داشت.

در ایران سال ۱۴۰۳ سال کبیسه است و اسفند ماه آن به جای ۲۹ روز معمول، ۳۰ روز خواهد داشت. آن یک روز اضافی در کوتاهترین ماه سال گنجانده می‌شود، و ۲۹ فوریه (و در ایران ۳۰ اسفند) روز کبیسه نام می‌گیرد، روزی که با سنت‌های فرهنگی و اعتقادات خرافی همراه است. ما در گاه‌شماری میلادی به صورت کلی هر چهار سال یک سال کبیسه داریم. سال کبیسه قبلی ۲۰۲۰ بود و بعدی نیز قرار است ۲۰۲۸ باشد.

اصلا چرا سال کبیسه داریم؟

یک سال تقویمی غالباً ۳۶۵ روز است، چرا که زمین برای یک دور کامل چرخیدن دور خورشید به این مقدار زمان نیاز دارد. اما ۳۶۵ عددی است که به پایین گرد شده است. (Rounded-Down)

در واقعیت، مدت زمان لازم برای یک چرخش کامل زمین به دور خورشید ۳۶۵.۲۴۲۱۹۰ روز است - یعنی ۳۶۵ روز، ۵ ساعت، ۴۸ دقیقه و ۵۶ ثانیه. به این می‌گویند سال نجومی. سال نجومی اندکی بلندتر از سال تقویمی است، برای همین باید فکری به حال ساعت‌ها، دقیقه‌ها و ثانیه‌های اضافی کرد. اگر هر از چندی یک روز به تقویم اضافه کنیم، سال تقویمی تنظیم می‌شود و مطابقتش با فصل‌ها محفوظ می‌ماند.

اما چرا روز کبیسه در ماه فوریه است؟

دلیل انتخاب فوریه به عنوان ماه میزبان روز کبیسه را می‌توان در اصلاحات تقویمی ژولیوس سزار در روم باستان یافت. تقویم ژولیانی به دستور سزار تهیه شد و برای حفظ انطباقش با سال نجومی سال کبیسه داشت. حتی بعد از این که تقویم ژولیانی در سال ۱۵۸۲ به تقویم گریگوری تبدیل شد نیز سنت افزودن روز کبیسه به ماه فوریه باقی ماند.

اگر سال کبیسه نداشتیم چه می‌شد؟

اگر سال کبیسه نداشته باشیم و زمان اضافه سال نجومی را در نظر نگیریم، فصل‌ها به مرور از جای خود خارج می‌شوند. برای مثال، در یک دوره ۷۰۰ ساله، شروع تابستان در نیم‌کره شمالی از ماه ژوئن به ماه اکتبر منتقل خواهد شد.

دوره تناوب سال کبیسه چقدر است؟

بیشتر مردم فکر می‌کنند که هر چهار سال یک بار سال کبیسه می‌شود، اما همیشه چنین نیست. دلیلش این است که تفاوت میان سال نجومی و سال تقویمی در یک دوره چهار ساله دقیقاً ۲۴ ساعت نیست، بلکه ۲۳.۲۶۲۲۲۲ ساعت است. لذا این تفاوت را هم باید در نظر گرفت. قاعده این است که اگر یک سال را بتوان کامل تقسیم به چهار کرد و چیزی باقی نماند، سال کبیسه است. یک استثنا سال‌هایی است که بخش به ۱۰۰ می‌شوند و سال کبیسه به حساب نمی‌آیند. با این حال، اگر یک سال به ۴۰۰ بخش پذیر باشد، آن سال را سال کبیسه حساب می‌کنند. بگذارید برای راحتتر شدن مساله چند مثال بزنیم. ۲۰۰۰ سال کبیسه بود - چون هم به ۴ و هم به ۴۰۰ بخش پذیر بود. اما ۱۷۰۰، ۱۸۰۰ و ۱۹۰۰ بخش به ۴ می‌شوند ولی به ۴۰۰ نه، پس سال کبیسه نبودند. دفعه بعدی که از یک سال کبیسه می‌جهیم سال ۲۱۰۰ خواهد بود.



انیشیتین و نوروز

در زمان تدریس در دانشگاه پرینستون، دکتر حسابی تصمیم می‌گیرند سفره ی هفت سینی برای انیشیتین و جمعی از بزرگترین دانشمندان دنیا از جمله "بور"، "فرمی"، "شوریندگر" و "دیراگ" و دیگر استادان دانشگاه بچینند و ایشان را برای سال نو دعوت کنند...

آقای دکتر خودشان کارت های دعوت را طراحی می‌کنند و حاشیه ی آن را با گل های نیلوفر که زیر ستون های تخت جمشید هست (لوتوس) تزئین می‌کنند و منشا و مفهوم این گل ها را هم توضیح می‌دهند. چون می‌دانستند وقتی ریشه مشخص شود برای طرف مقابل دلدادگی ایجاد می‌کند.

دکتر می‌گفت: "برای همه کارت دعوت فرستادم و چون می‌دانستم انیشیتین بدون ویالونش جایی نمی‌رود، تاکید کردم که سازش را هم با خود بیاورد.

همه سر وقت آمدند اما انیشیتین ۲۰ دقیقه دیرتر آمد و گفت: چون خواهرم را خیلی دوست دارم خواستم او هم جشن سال نو ایرانیان را ببیند.

من فوراً یک شمع به شمع‌های روشن اضافه کردم و برای انیشتین توضیح دادم که ما در آغاز سال نو به تعداد اعضای خانواده شمع روشن می‌کنیم و این شمع را هم برای خواهر شما اضافه کردم. به هر حال بعد از یک سری صحبت‌های عمومی، انیشتین از من خواست که با دمیدن و خاموش کردن شمع‌ها جشن را شروع کنم. من در پاسخ او گفتم:

ایرانی‌ها در طول تمدن ۱۰ هزار ساله شان حرمت نور و روشنایی را نگه داشته‌اند و از آن پاسداری کرده‌اند.

برای ما ایرانی‌ها شمع نماد زندگیست و ما معتقدیم که زندگی در دست خداست و تنها او می‌تواند این شعله را خاموش کند یا روشن نگه دارد.

آقای دکتر می‌خواست اتصال به این تمدن را حفظ کند و می‌گفت بعدها انیشتین به من گفت: "وقتی برمی‌گشتیم به خواهرم گفتم حالا می‌فهمم معنی یک تمدن ۱۰ هزارساله چیست. ما برای کریسمس به جنگل می‌رویم درخت قطع می‌کنیم و بعد با گل‌های مصنوعی آن را زینت می‌دهیم اما وقتی از جشن سال نو ایرانی‌ها برمی‌گردیم همه درخت‌ها سبزند و در کنار خیابان گل و سبزه روییده است."

بالاخره آقای دکتر جشن نوروز را با خواندن دعای تحویل سال آغاز می‌کنند و بعد این دعا را برای مهمانان تحلیل و تفسیر می‌کنند... به گفته‌ی ایشان همه در آن جلسه از معانی این دعا و معانی ارزشمندی که در تعالیم مذهبی ماست شگفت زده شده بودند.

بعد با شیرینی‌های محلی از مهمانان پذیرایی می‌کنند و کوک و یلون انیشتین را عوض می‌کنند و یک آهنگ ایرانی می‌نوازند.

همه از این آوا متعجب می‌شوند و از آقای دکتر توضیح می‌خواهند. ایشان پاسخ می‌دهند که موسیقی ایرانی یک فلسفه، یک طرز تفکر و بیان امید و آرزوست.

انیشتین از آقای دکتر می‌خواهند که قطعه‌ی دیگری بنوازند.

پس از پایان این قطعه که عمداً بلندتر انتخاب شده بود انیشتین که چشم‌هایش را بسته بود چشم‌هایش را باز کرد و گفت:

"دقیقا من هم همین را برداشتم کردم و بعد بلند شد تا سفره‌ی هفت سین را ببیند..."

آقای دکتر تمام وسایل آزمایشگاه فیزیک را که نام آنها با "س" شروع می‌شد توی سفره چیده بود و یک تکه چمن هم از باغبان دانشگاه پرینستون گرفته بود.

بعد توضیح می‌دهد که این در واقع هفت چین یعنی ۷ انتخاب بوده است.

تنها سبزه با "س" شروع می‌شود به نشانه‌ی رویش...

ماهی با "م" به نشانه‌ی جنبش،

آینه با "آ" به نشانه‌ی یکرنگی،

شمع با "ش" به نشانه‌ی فروغ زندگی و ...

همه متعجب می‌شوند و انیشتین می‌گوید آداب و سنن شما چه چیزهایی را از دوستی، احترام و حقوق بشر و حفظ محیط زیست به شما یاد می‌دهد.

آن هم در زمانی که دنیا هنوز این حرف‌ها را نمی‌زد و نخبگانی مثل

انیشتین، بور، فرمی و دیراک این مفاهیم عمیق را درک می‌کردند.

یک کاسه آب هم روی میز گذاشته بودند و یک نارنج داخل آب قرار داده بودند.

آقای دکتر برای مهمانان توضیح می‌دهند که فلسفه‌ی این کاسه ۱۰ هزارسال قدمت دارد.

آب نشانه‌ی فضاست و نارنج نشانه‌ی کره‌ی زمین است و این بیانگر تعلیق کره زمین در فضاست.

انیشتین رنگش می‌پرد عقب عقب می‌رود و روی صندلی می‌افتد و حالش بد می‌شود.

از او می‌پرسند که چه اتفاقی افتاده؟

می‌گوید:

"ما در مملکت خودمان ۲۰۰ سال پیش دانشمندی داشتیم که وقتی این حرف را زد کلیسا او را به مرگ محکوم کرد اما شما از ۱۰ هزار سال پیش این مطلب را به زیبایی به فرزندانان آموزش می‌دهید.

علم شما کجا و علم ما کجا؟!"

خیلی جالب است که آدم به بهانه‌ی نوروز یا هر بهانه‌ی خوب دیگر،

فرهنگ و اعتبار ملی خودش را به جهانیان معرفی کند.

برگرفته از کتاب خاطرات دکتر محمود حسابی بنام استاد عشق که توسط فرزندش ایرج حسابی چاپ و نشر گردیده، خواندن این کتاب را به همه عزیزان بخصوص فرزندان آنها پیشنهاد می‌کنم.

درود بر شما، ایرانی و ایران با بزرگترین تمدن فرهنگی.

(دکتر هادی پیراکه)



نوشته‌ای فرستاده شده توسط مرتضی سینکی:

ایران و ققنوس

=====

در افسانه‌ها آمده است که ((ققنوس)) مرغی است خوش رنگ و خوش آواز، که منقار او سیصد سوراخ دارد و بر کوه بلندی در مقابل باد نشیند، صداهای عجیب از منقار او بر آید. گفته اند که هزار سال عمر کند و چون هزارم به سر آید و عمرش به آخر رسد، هیزم فراوانی گرد آورد و بر بالای آن نشیمن گیرد و سرودن آغاز کند و مست گردد و بال بر هم زند، بدان گونه که آتشی از بال او بجهد و در هیزم افتد و او در آتش خود بسوزد و از خاکسترش تخمی پدید آید که از آن ((ققنوسی)) دیگر زاده شود. گفته اند که او را جفت نیست و موسیقی را از آواز او دریافته اند.

بین افسانه ((ققنوس)) و سرگذشت ایران تشابهی می توان دید. ایران نیز چون آن مرغ شگفت بی همتا، بارها در آتش خود سوخته است و باز از خاکستر خویش زاییده شده. در این سالها، من همواره این احساس را داشته ام که ایران بار دیگر یکی از دورانهای ((زاینده در مرگ)) را می گذراند و در میان درد می شکفت.

محمد علی اسلامی ندوشن

آغاز سال اژدها: سال نو قمری چیست و کجا جشن

گرفته می شود؟

شنبه دهم فوریه ۲۰۲۴، تاریخ آغاز سال جدید قمری بود. میلیون‌ها نفر در چین، آسیای شرقی و در سراسر جهان آغاز سال جدید قمری را جشن می گیرند. این یکی از بزرگترین رویدادهای سال برای بسیاری از مردم شرق و جنوب شرق آسیا و نقاط مختلف جهان است. خانواده‌ها و دوستان دور هم جمع می شوند تا مقدار زیادی غذای خوشمزه بخورند، از آتش بازی لذت ببرند و لباس‌های خاصی را به مناسبت این مراسم بپوشند.

در سنت چینی، مظهر هر سال یکی از ۱۲ حیوان مختلفی است که در فلک‌البروج چینی دیده می شود. در سال ۲۰۲۴ سال خرگوش را پشت سر می گذاریم و وارد سال اژدها می شویم.



سفره سال نو قمری پر از غذاهای ویژه و خوشمزه است.

مراسم و جشن‌های سال نو چینی چند روز طول می کشد؟

تاریخ آغاز سال جدید با تقویم قمری تعیین می شود. رویت دومین هلال ماه تازه پس از طولانی‌ترین شب زمستان (شب یلدا) در ۲۱ دسامبر، که معمولاً بین ۲۱ ژانویه و ۲۰ فوریه است. جشن و شادمانی معمولاً ۱۵ روز طول می کشد؛ از ظهور ماه نو شروع می شود و تا قرص کامل ماه ادامه دارد.

سمبل سال جدید چینی چه حیوانی است؟

طبق سنت چینی هر ماه قمری معرف یکی از ۱۲ حیوان مختلف است. بنا بر گاهشماری چینی این ۱۲ حیوان عبارتند از: موش، گاو نر، ببر، خرگوش، اژدها، مار، اسب، بز، میمون، خروس، سگ و خوک. هر یک از این حیوانات با یکی از عناصر پنجگانه - فلز، چوب، آب، آتش و کره زمین مرتبطند. و در چرخه ۱۲ سال، هر سال به یکی از این عناصر اختصاص داده می شود.

برای اینکه نزدیکی تمدن‌ها را بررسی کنیم ما ایرانیان هم در سالهای گذشته تقویمی قمری داشتیم. مادر بزرگ من تمام امور زندگی اش را با مراجعه به همین تقویم انجام میداد. مانند "نیک است عیادت بیمار را" تقویم را که نام "تقویم مصباح زاده" داشت همه ساله تقویم فروش‌های دوره گرد به مشتریان می فروختند. "بغلی و دیواری مال سال نو...." بیاد دارم که نام حیواناتی که کره زمین هر ساله بر کرده آنان میگردید، برای آنکه در ذهن‌ها بماند در شعری کنج‌انده بودند که راحت تر به یاد بماند. و من از دوران کودکی آنرا بیاد دارم که چنین است:

موش و بقر و پلنگ و خرگوش شمار،
زین چار که بگذری نهنگ آید و مار،

**وانگاه به اسب و گوسفند است حساب
هندونه و مرغ و سگ و خوک آخر کار.**
(بقر = گاو ، نهنگ = اژدها، هندونه = میمون)



روز ۱۴ ماه فوریه به روز والتاین یا روز عشق شهرت دارد، که دل دادگان در این روز هدایایی بهم میدهند و ابراز دلبستگی می کنند. در ایران کهن هم چنین روزی وجود داشته بنام اسپندگان(سپندارمذگان).

اسپندگان(سپندارمذگان) جشن بزرگداشت زن و زمین است. زمین در نهایت فروتنی زایش می کند و از همه چیز و همه کس نگهداری می کند. بانوان و مادران هم چنین صفت نیکی دارند، به همین شوند (دلیل) از آیین های این جشن گرامیداشت بانوان و دادن هدیه به آنها بوده است. این موضوع نشان دهنده ی ارزش بالای بانوان در اندیشه ی ایرانی می باشد.

فلسفه بزرگداشتن این روز به عنوان "روز عشق" به این صورت بوده است که در ایران باستان هر ماه را سی روز حساب می کردند و علاوه بر اینکه ماه ها اسم داشتند، هریک از روزهای ماه نیز یک نام داشتند. بعنوان مثال روز اول "روز اهورا مزدا"، روز دوم، روز بهمن (سلامت، اندیشه) که نخستین صفت خداوند است، روز سوم اردیبهشت یعنی "بهترین راستی و پاکی" که باز از صفات خداوند است، روز چهارم شهریور یعنی "شاهی و فرمانروایی آرمانی" که خاص خداوند است و روز پنجم "سپندار مذ" بوده است. سپندار مذ لقب ملی زمین است. یعنی گستراننده، مقدس، فروتن.

زمین نماد عشق است چون با فروتنی، تواضع و گذشت به همه عشق می ورزد. زشت و زیبا را به یک چشم می نگرد و همه را چون مادری در دامن پر مهر خود امان می دهد. به همین دلیل در فرهنگ باستان اسپندار مذگان را بعنوان نماد عشق می پنداشتند.

در هر ماه، یک بار، نام روز و ماه یکی می شده است که در همان روز که نامش با نام ماه مقارن می شد، جشنی ترتیب می دادند متناسب با نام آن روز و ماه. مثلا شانزدهمین روز هر ماه مهر نام داشت و که در ماه مهر، "مهرگان" لقب می گرفت. همین طور روز پنجم هر ماه سپندار مذ یا اسفندار مذ نام داشت که در ماه دوازدهم سال که آن هم اسفندار مذ نام داشت، جشنی با همین عنوان می گرفتند.

تمام ایزدانی که در اندیشه و آیین ایرانیان جای داشته اند بیشتر شبیه مفاهیم والای عرفانی و فلسفی می باشند اما به نظر می رسد با گذشت زمان به منظور آنکه برای مردم قابل درک باشند به صورت ایزدان و فرشته ها درآمده اند.

جشن اسپندگان متعلق به ایزد (فرشته) اسپند(سپندارمذ) است که از ارزش بالایی برخوردار می باشد. سپندارمذ یکی از صفات خاص خداوند و یکی از هفت امشاسپندان است.

به طور کلی اسم ها و معنی سپندارمذ به این شرح است :

نام اوسایی : سپندآرمیتی

نام پهلوی : سپندرمَت

نام پارسی : اسپندارمذ (اسفندارمذ) - اسپند(اسفند)

معنی : تقدس و فروتنی

شاد باشیم و به تاریخ و فرهنگ کشورمان افتخار کنیم.

سپندار مذگان، شادباش،

مهوش ذوالریاستین

خانه عاشقان ایران، خانه دوستداران سنت و فرهنگ و هنر ایران، خانه ای که پنجره هایش بسوی روشنایی و امید باز می گردد. آسمانش آبی و رویایی، شبهایش پر ستاره و شفاف و باغش پر گل و معطر است. این خانه خانه شما عزیزان است، به یاری شما نیاز داریم. با کمک به این خانه سپاسگزار ایران کهن زمینمان باشیم!

با سپاس از :

آقایان رضا و بهمن جلالی، محمد حقگویی، دکتر کامبیز برال، و خانمها لیلا هدایتی و دکتر رکسانا حکیم زاده برای یاری به خانه ایران.





نازنینم!

همه فصل ها رفتنی اند،

مثل همه ی آمده ها ...

مثل همه آدم ها،

که آمدند ... چند صباحی زندگی کردند ... مهر ورزیدند ...

عاشق شدند ... رنگی به زندگی زدند ... بعضی ها سیاه ... بعضی

ها سپید ... بعضی ها سرخ و ارغوانی ... و ... اما رفتند.

آنان که سیاهکاری پیشه کردند، گمان می کردند، زندگی شان

همیشگی است

نخواستند، رنگی بزنند که فانوسی شود در تاریکی ...

آنان که در روشنایی زندگی کردند، طیف نور زیبایی برجای

گذاشتند که چراغ راه ما شود ...

ما چه می کنیم؟؟

فانوس راهیم یا در تاریکی مطلق خویش فراسوی زندگی را

نمی بینیم ...

مهم نیست که در کجای جامعه ...

در کجای هستی ایستاده ایم ...

یادمان باشد ...

هیچ بهاری نمی ماند

هیچ تابستانی نمی تواند گرمایش را در خود نگه دارد

هیچ پاییزی نمی تواند با همه جلوه گری هایش در برابر سوز و

سرما مقاومت کند

و هیچ زمستانی نمی تواند در برابر شکوفه های زیبا لبخند نزند

...

اما رد پای هیچ انسانی از صفحه روزگار پاک نمی شود ...

ما می رویم ... قصه ما در کتاب زندگی ثبت می شود ...

#فریده_یوسفی



با اندوه از جانب گروه سرپرستی خانه ایران درگذشت پدر خانم

مهرانا فلاحتی را به ایشان و خانواده محترمشان تسلیت می

گوییم. پایدار باشید.



نمایشگاه کتاب در ۲۰۲۳

هفتمین دوره «نمایشگاه کتاب تهران، بدون سانسور» با هدف

مقابله با سانسور دولتی و حکومتی در ایران و دفاع از آزادی

اندیشه و بیان مدتی است که آغاز شده است.

در این رویداد فرهنگی، ۲۵ ناشر و نهاد مستقل در اروپا، آمریکا

و کانادا کتاب‌های تازه خود را معرفی می‌کنند، نویسندگان،

شاعران و مترجمان هم به بررسی و تحلیل نقش مخرب

سانسور و خودسانسوری در آثار هنری و ادبی می‌پردازند.

نزدیک‌تر کردن ارتباط میان ناشران مستقل در داخل و خارج

ایران هم از دیگر اهداف نمایشگاه برون‌مرزی کتاب تهران بدون

سانسور است.

نمی‌دهد. ما این را تصادفی نمی‌دانیم که نام قاتل ژینا (مهسا) امینی و وزارت سانسور رژیم، هر دو "ارشاد" است».

نویسندگان این بیانیه همچنین به تولید آثار هنری در جریان جنبش اعتراضی اخیر اشاره و تاکید کرده که "پشتیبانی و پرستاری از دستاوردهای زن، زندگی، آزادی در نشان دادن امکان‌های بیان اعتراضی، نمایش سرکشی و به تصویر کشیدن امید نیاز به همکاری و پایداری جمعی دارد."

در ادامه و بر اساس همین دلایل نویسندگان این بیانیه نوشته‌اند: «بر این اساس ما از این پس برای هیچیک از کارها و کنش‌های هنری و فکری مان از جمله برپایی نمایشگاه، نشر کتاب و مجله، ساخت و نمایش فیلم و مانند آنها از هیچ نهادی به ویژه نهادهای حکومتی کسب اجازه نخواهیم کرد».

نویسندگان این بیانیه از هنرمندان و نویسندگان و دست اندرکاران فیلم و نمایش در ایران نیز خواسته‌اند تا "نهادهای نظارت و کنترل فرهنگ را به رسمیت نشناسند و در برابر قدرت ناحق و ناروای دستگاه‌های سانسور بایستند."

کانون "فرهنگ، هنر، کنش" متشکل از گروهی از هنرمندان تجسمی در داخل و خارج ایران است که سال گذشته با هدف "پشتیبانی از آزادی‌های صنفی، سیاسی، و مدنی در هنر ایران" و برای "همبستگی با جنبش زن، زندگی، آزادی" اعلام موجودیت کرد.



در بیانیه هفتمین نمایشگاه کتاب تهران بدون سانسور با اشاره به ۴۴ سال سانسور و استبداد دینی که ضربات مهلکی بر فرهنگ و جامعه ایران وارد کرده، آمده است که ناشران فارسی‌زبان در خارج کشور به هدف اصلی خود که مبارزه با سانسور در ایران است، همچنان پابرجا هستند و در این راه با انتشار هزاران عنوان کتاب در زمینه‌های گوناگون ادبیات، پژوهش، نقد فرهنگی، دینی، سیاست، تاریخ، دادخواهی و خاطرات زندان گام‌های بلندی در راستای روشننگری از یک سو و ثبت «جنایات‌های حکومتی» از دیگر سو برداشته‌اند.



شصت نویسنده و شاعر نوشتند: "از این پس آثار خود را بی سانسور منتشر میکنیم!"

هم‌زمان با برگزاری نمایشگاه دولتی کتاب تهران، کانون "هنر، فرهنگ و کنش" در اطلاعیه‌ای از هنرمندان و نویسندگان و اهالی فیلم و سینما خواسته تا تن به سانسور دولتی ندهند.

در این بیانیه با اشاره به بیش از ۴۰ سال اعمال سانسور و خفقان در تمامی عرصه‌ها و نیز بر نویسندگان و تولیدکنندگان هنری، به جنبش زن، زندگی، آزادی و تلاش آن برای "بازپس گیری حق آزادی بیان" اشاره شده و آمده است: «اکنون و در پی این جنبش، جامعه هنری ایران نشان داده است که دیگر به مقررات نهادهای متجاوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت علوم و دیگر دستگاه‌های سرکوب و سانسور تن



Relator

Specializing in:

- Shopping Center
- Restaurant
- Office Building
- Business Opportunity
- Gas Stations

Mike Pirzadeh

Residential & Commercial

Cell: (734) 516-4172

Office: (313) 474-0100

6530 Greenfield Rd.

Dearborn, MI 48126

<https://www.thesignaturegroup.org>

Mike_pirzadeh@hotmail.com

Together, we can do great things

Persian – English Translation

(از سوی همه موسسات به رسمیت شناخته می‌شود.)

ترجمه از فارسی به انگلیسی

و از انگلیسی به فارسی

با بهای مناسب با ما تماس بگیرید.

(248) 403-560

Family Dentistry Mahine Mahajeri D.D.S. M.S.



- Cosmetic and Preventive Dentistry
- Tooth Bonding and Bleaching
- One Hour Whitening
- Crown and Bridges
- Complete and Partial Dentures
- Root Canal and Braces
- Saturday and Evening Appointment
- Over 28 years of Practices

(313) 584-6530

6325 Chase Road. Suite A. Dearborn, MI 48126

MORT'S TAX & ACCOUNTING SERVICES



مرتضی راستگو، با بیش از ۲۰ سال سابقه در امور مالیاتی و حسابداری در آمریکا آماده همکاری با شما می‌باشد.

(تخفیف ویژه برای هموطنان عزیز)

Morteza Rastgoo

313-769-6360 / 248 739-2828

24602 W Warren

Dearborn Heights

taxmort@gmail.com



حسن نوروزی خانه ایران با هنرمندی مرتضی خواننده محبوب



خانه ایران تقدیم می کند:

- زمان برگزاری: شنبه ۱۶ مارس، ساعت ۶ تا ۱۱ شامگاه
- به علت محدودیت های سالن، پس از ۲ مارس قیمت هر بلیت ۲۵ دلار افزایش می یابد.
- زمان پایان فروش: ۱۲ مارس
- مکان: مرکز هنرهای نمایشی فورد، دیربورن
- با هنرمندی مرتضی برجسته خواننده پر آوازه به همراه ارکستر زنده به همراه موزیک شاد ایرانی از دی جی آرش
- شام از رستوران رضا (شیکاگو)، بوفه: پیش غذا (کشک بادمجان، ماست و خیار، سالاد، سبزیجات کبابی و نان پیتا)، غذای اصلی (سبزی پلو با ماهی سفید، کباب کوبیده، جوجه کباب، چلو و خورش قورمه سبزی)، دسر (بامیه) به همراه آب و چای
- Cash Bar: انواع نوشیدنی الکلی و غیر الکلی



روش خرید بلیت با چک:

پس از محاسبه مبلغ و نوشتن چک به نام Persia house of Michigan ابتدا عکس چک را به ایمیل خانه ایران persiahouseofmichigan@yahoo.com بفرستید و شماره میز درخواستی، تعداد و نوع بلیت های خریداری شده خود را اعلام کنید و سپس هر چه سریع تر چک را به آدرس پستی خانه ایران ارسال کنید. قیمت بلیت برای اعضای خانه ایران و دانشجویان دانشگاه ۸۹ دلار و



بلیت عادی ۹۹ دلار خواهد بود. آدرس پستی خانه ایران: P.O.Box 251002 West Bloomfield, MI 48325

- کودکان زیر ۵ سال نیاز به تهیه بلیت ندارند (بدون صدلی).

Morteza & Live Orchestra in PHOM Nowruz Celebration:

Saturday March 16th, check in: 6 pm – end: 11 pm
Due to venue restrictions, ticket prices will increase by \$25 after March 2nd.

End of sale date: March 12th

Address: Ford Community & Performing Arts Center, 15801 Michigan Ave, Dearborn, MI 48126

Dinner: Buffet from Reza Restaurant of Chicago

Cash Bar is available.

Tickets by check: PHOM members and students \$89 and regular tickets \$99

Tickets by PayPal: PHOM members and students \$93 and regular tickets \$103

Ballroom Plan: Find your table number [here](#) on a first come first served basis.

Tel: (248) 403-5605 Email: persiahouseofmichigan@yahoo.com



نقشه سالن:

شماره میز را می توانید از اینجا پیدا کنید و برای ما ایمیل کنید.

روش خرید بلیت با PayPal:

در سایت PayPal مبلغ مورد نظر را به ایمیل خانه ایران persiahouseofmichigan@yahoo.com بفرستید که این شامل هزینه دریافتی شرکت PayPal نیز می باشد؛ هزینه بلیت برای اعضای خانه ایران و دانشجویان دانشگاه ۹۳ دلار و بلیت عادی ۱۰۳ دلار خواهد بود. پس از واريز مبلغ با پی.پل، با ایمیل بالا تماس بگیرید و شماره میز درخواستی، تعداد و نوع بلیت های خریداری شده را اعلام کنید.

با پاس فراوان و به امید دیدار شما خوبان

هم فال و هم تماشا



خانه ایران تقدیم می کند

Persia House of Michigan Presents



بازار نوروزی

Nowruz Bazar

Saturday, March 9th 2024
11 am – 4 pm

خرید نقدی یا با چک

Location:
Holy Cross Episcopal Church
40700 W. Ten Mile Rd.
Novi, MI 48375

تلفن تماس برای رزرو غرفه فروش
(480) 234 6624 - (248) 403 5605

شذرد و پولکباب
سبزه های زیبا، سنجید، سمنو، زعفران و زرشک عالی، انواع تخم مرغ های رنگی زیبا، لیمو عمانی، ترشی، پاستا و شیرینی و صنایع دستی

شما هم می توانید سفره هفت سین خود را با خرید از این بازار زینت ببخشید. همین طور روزی شاد را همراه با موسیقی و غذا، در کنار هم سپری کنید. همچنین می توانید برای رزرو غرفه فروش از طریق تلفن اقدام فرمایید